

## باسمه تعالی

۱. مورد دهم: خبر ثقه همراه اعراض مشهور از آن.....
۲. مورد یازدهم: خبر ثقه در امور هامه.....

### موضوع: حجج و امارات / مبحث امارات / اماره پنجم: خبر واحد / تحدید دائره حجیت خبر واحد

#### مورد دهم: خبر ثقه همراه اعراض مشهور از آن

اگر مشهور از عمل به خبر ثقه اعراض کرده باشند، آیا چنین خبری حجّت است؟ در فقه موارد بسیاری وجود دارد که خبر ثقه وجود دارد اما مشهور از آن اعراض دارند به عنوان مثال خبری هست که جواب نامه مانند جواب سلام واجب است، این روایت دلالت واضحی هم دارد کالتصّ در وجوب است. سند آن هم صحیح است، اما کسی از علماء فتوا به وجوب جواب نامه نداده است. این روایت را مشهور از آن اعراض کرده‌اند. البته بحث در جایی است که معارضی نباشد. چنین خبری حجّت است؟

محقق خوئی و شهید صدر (در دوره اول اصول) قائل به حجّیت بودند، اما شهید صدر در دوره دوم عدول نموده و قائل به عدم حجّیت چنین خبری شده است. مصباح ج ۲ ص ۲۳۶. مباحث ج ۲ ص ۵۸۳. بحوث ج ۴ ص ۴۲۶. به مشهور هم نسبت داده شده که رائج عدم حجّیت چنین خبری است.

شهید صدر در توضیح مختار خود فرموده امارات و حجج اگر در نظر گرفته شود، بر اساس کاشفیت حجّت هستند. یعنی بر اساس اصابه به واقع حجّت شده‌اند، که اگر اماره اقوی بر خلاف آنها باشد، کاشفیت و اماریت را ندارد. به عنوان مثال اگر ثقه خبری دهد بر اساس کاشفیت حجّت است؛ اما اگر معارض با خبر ثقه دیگر شود کاشفیت ندارد. در بحث ما نیز اگر ثقه خبر دهد احتمال موافقت و اصابت دارد، اما اگر مشهور به این خبر عمل نکرد و عدم عمل به سبب قاعده نبود (مثلاً به سبب تعارض با روایت دیگر و ترجیح آن روایت نبوده است)، در این صورت عدم عمل مشهور کاشفیت از مطلبی بر خلاف مضمون این خبر دارد. به عنوان مثال در وجوب جواب نامه، عدم عمل مشهور از مضمونی کشف می‌کند که دلالت بر عدم وجوب دارد. کاشفیت این اگر اقوی از خبر ثقه نباشد، اضعف هم نیست. لذا کاشفیت خبر ضعیف شده و از حجّیت ساقط می‌شود زیرا حجّیت بر اساس حساب احتمالات بود، که در این صورت حجّت نخواهد بود.

البته باید عدم عمل مشهور به سبب قواعد نباشد به عنوان مثال روایت ثقه وجود دارد که سنّ بلوغ در دختران ۱۳ سالگی است، اما مشهور عمل نکرده‌اند زیرا معارض وجود داشته است.

لذا معروف شده کَلَّمَا از داد صحَّةً از داد ضعفاً یعنی هرچه دلالت روایت بهتر باشد، از اینکه مشهور عمل نکرده‌اند، شکّ بیشتری در آن می‌شود. پس اگر مشهور از خبر ثقه اعراض نمایند، با این شرائط که سند تمام و دلالت تمام و در کتب حدیثی موجود بوده و معارض نداشته، چنین خبری حجّت نیست.

به نظر می‌رسد این مدّعی صحیح است اما نه به بیان ایشان، زیرا حجّیت خبر ثقه را از باب کاشفیت نمی‌دانیم بلکه از باب حفظ نظام اجتماعی است. اصل اساسی بین عقلاء این است که خداوند انسان را طوری آفریده که عملش بر اساس باور ذهنی است. یکی از خصائص انسان این است که موجود محتاطی است، یعنی در موارد که احتمال موافق احتیاط باشد، به آن عمل می‌کنند. شاید عدم عمل عقلاء از این باب باشد که ترک چنین خبری موجب اخلال نظام نیست. در باب تکالیف عقلایی اگر لازم باشد دائماً بر اساس علم عمل شود، اخلال نظام می‌شود. لذا اموری هستند که باید بر اساس آنها عمل شود که امارات تنجیزی و تعذیری بین عقلاء شکل می‌گیرد. یکی از این امارات خبر ثقه است که گفته شد اگر ظنّ بر خلاف آن باشد به خبر ثقه عمل نمی‌شود. به مقدار حفظ نظام کافی است که به خبری عمل شود که قرائن ظنّیه بر کذب آن نباشد. خبری که مشهور از آن اعراض کردند، قرائن ظنّی بر خلافش وجود دارد لذا سیره عقلاء بر عمل به آن نیست. عمل به اماره خلاف طبع انسان است زیرا بر اساس علم عمل می‌کند؛ لذا در مخالفت طبع به مقداری اکتفاء می‌شود که اخلال نظام نشود، و این مقدار فقط خبری است که قرائن ظنّیه بر خلاف آن نباشد. به عبارت دیگر عمل به اخباری که قرائن ظنّی بر خلاف آن نباشد، برای حفظ نظام کافی است. یعنی طبع انسان بر عدم عمل به اماره است مگر موجب اخلال نظام شود. پس چنین خبری داخل در بحث خبری که قرائن ظنّیه در خلاف آن است یعنی خبر متهم می‌شود.

در نتیجه خبر ثقه که مشهور از آن اعراض کرده‌اند، هرچند سند و دلالت تمام داشته و در کتب حدیثی باشد و معارض هم نداشته باشد، چنین خبری حجّت نیست. مانند همان خبر دالّ بر وجوب جواب نامه.

#### مورد یازدهم: خبر ثقه در امور هامه

خبر به لحاظ مضمونی تقسیم به خبر مهمّ و غیر مهمّ می‌شود. خبر مهمّ خبری است که در عموم مردم یا برخی به لحاظ خاصی اثرگذار است.

فرض شود کسی بگوید زید گفت هزار تومان من را به فقیر بده؛ و بگوید ده میلیون من را به فقیر بده. مورد دوم هامه است. مثال فقهی واضح صحیح ابی ولّاد است که مضمونی دارد که تنها خبری است که در فقه مستند فقهاء شده که چنین مضمونی در روایات دیگر نیست و مضمون مهمّی است.